



اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازهٔ جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بریاری آن‌ها تواناست.

پیش‌کسوتان و رزمندگان که امروز روز تکریم آن‌ها است، چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که از جان گذشتند، جان را کف دست گرفتند، از آسایش، زندگی خانوادگی، پدر و مادر، همسر، فرزندان، در مواردی، از آینده چشم پوشیدند، صرف نظر کردند و همهٔ داشته‌های خودشان را به مصاف دشمنی بردند که تشخیص داده بودند بایستی در مقابل او از اسلام و از کشور دفاع کنند. از اسلام دفاع کردند، از انقلاب دفاع کردند، از عزت ملی دفاع کردند، از ناموس دفاع کردند؛ برخی از این‌ها عروج کردند و بعضی هم ماندند و کار را به پایان رساندند؛ فَمِنْهُمْ مَّنْ قُضِيَ نَحْبُهُ وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ. (مقام معظم رهبری حفظه، ۱۳۹۹/۶/۳۱)



ضيافت خلیل

سال دوم، شمارهٔ چهارم مهر ۱۴۰۰ ه.ش
صفر ۱۴۴۳ ه.ق، ۶ صفحه



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
معاونت فرهنگی
مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی



وصال معشوق

توصیف آثار حج در
روحیات شهید عباس
ورامینی در سخنرانی
شهید همت در مراسم
هفتم آن شهید

۳



شهید عید قربان

شهادت سرلشکر شهید
عباس بابایی، در عید
قربان سالی که به دلیل
مأموریت نتوانست در
مراسم حج شرکت کند

۵



گمنامان زمین و نامداران آسمان

از یادداشت‌های سفر حج
شهید سید مرتضی آوینی

۴



غوغای غبار

از یادداشت‌های سفر حج
گل‌علی بابایی؛ پژوهشگر و
مستندنگار دفاع مقدس

۵

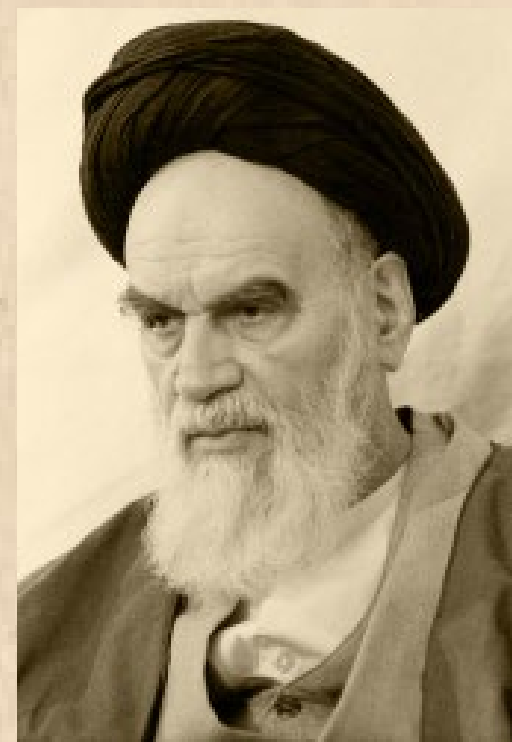
وثیقه نامرئزگداشت دفاع مقدس حکایت حج و جهاد

... وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ ...

(سوره مبارک انفال آیه ۱۷)

حج و جهاد، همواره در گسترهٔ تاریخ، نقشی مهم در حیات امت اسلامی داشته‌اند و در احادیث دوشادوش هم به مثابهٔ دو فرع از فروع مهم دینی بیان شده‌اند. پیشکوهستان عرصهٔ جهاد و شهادت در مکتب جامع حج مشق اخلاص و ایثار و رجم شیطان کرده‌اند و در میدان نبرد به خوبی امتحان پس داده‌اند و در عین حال پاسدار آن مکتب بوده‌اند و پایداری و ایستادگی آنان ضامن امنیت امت و حجاج و نیز مکتب حج بوده است. چهارمین شماره از نشریهٔ ضیافت خلیل، معطر به یاد شهدا و ایثارگران و مفتخر به بازخوانی اندکی از این پیوند مبارک است.

این شماره تقدیم می‌گردد به شهدا، جانبازان، آزادگان و همهٔ ایثارگران عرصهٔ نورانی دفاع مقدس.



مناسک حج

مناسک زندگی است

مفاهیم و مقاصد عالی حج در پیام مهم
بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی رحمته الله علیه
به مناسبت پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸

۲



لشکر ۲۷ محمد رسول الله یادگاری از مراسم حج

چشم نوشت

حضور جانبازان
پرافتخار
دفاع مقدس
در سرزمین وحی
به روایت تصاویر



۶

مناسک حج مناسک زندگی است

مفاهیم و مقاصد عالی حج در پیام مهم
بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی رحمات الله تعالی علیه
در پذیرش قطعنامه ۵۹۸



حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود.

حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست و مناسک حج مناسک زندگی است.

ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم.

حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیون‌ها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلم حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجتی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست. خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی شان کوشش کنند و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند...

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۷ و ۷۸

نمایش و آیین سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج پسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب‌های خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکری‌های ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است،

بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست و مناسک حج مناسک زندگی است و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله پیوند خورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکیل این زندگی توحیدی است. حج عرصه

... یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی‌بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره‌خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته جمعی و یک سفر زیارتی-سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره‌اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند.

لشکر ۲۷ محمدرسول الله یادگاری از مراسم حج



تشکیل تیپ ۲۷ محمدرسول الله و نام تیپ که بعدها به لشکر تبدیل شد، یادگار سفر حج بود. احمد متوسلیان و محمد ابراهیم همت و چند نفر دیگر از دوستان رزمنده شان به حج می روند. از آن پس بود که احمد شده بود «حاج احمد» و همت، «حاج همت»؛ بقیه هم همین طور.

یکی از مهم ترین عوامل شکل گیری دوستی و همکاری بیشتر بین حاج احمد متوسلیان و شهید همت، سفر حج شان در سال ۶۰ بوده که این سفر موجب تشکیل یک گروه مهم در فرماندهی تیپ ۲۷ می شود؛ یعنی حاج احمد متوسلیان، شهید همت و شهید محمود شهبازی.

شهید حسین همدانی درباره این سفر چنین نقل می کند:

در اثنای بازدید از مناطقی مثل احد و خندق و مدینه، مباحث مربوط به هنر جنگ و فن سوق الجیش، دفاع شهری و پدافند کوهستانی بین او و احمد و همت خیلی داغ بوده، خب احمد و همت هم مثل محمود که سابقه رزم در سر پل ذهاب و قراویز را داشت، در جبهه های کوهستانی جنگیده بودند و تجربه دفاع از شهرهایی نظیر مریوان و پاوه در برابر هجوم ضدانقلاب و نیروهای سپاه یکم ارتش بعث را داشتند. روی همین مبنا، نگاه این بچه ها به آن اماکن مقدسه، نگاهی نظامی هم بود.

پاراگراف آخر از: همپای صاعقه، گل علی بابایی، حسین بهزاد، سوره مهر، ص ۱۰۲



توصیف آثار حج در روایات
شهید عباس ورامینی
از زبان شهید همت

وصال معشوق

شهید عباس ورامینی، رئیس ستاد لشکر ۲۷ محمدرسول الله در سال ۱۳۶۲ به عنوان یکی از مسئولان برگزاری مراسم و انتظامات بعثه رهسپار سفر حج می شود و پس از بازگشت در ۲۸ آبان همان سال به فیض شهادت نائل می شود. متن پیش رو بخش هایی از سخنرانی شهید همت به مناسبت هفتمین روز شهادت آن شهید بزرگوار در بهشت زهرای تهران است:



سفر معنوی، روایات او دگرگون تر شد. در لشکر، با بسیجی های مؤمن و مخلص به قدری زیبا برخورد می کرد که همه آن ها عاشق همین رفتار زیبا و اخلاق متین او شده بودند. در بازگویی مشاهدات خودش از سفر حج، خیلی دقت و ظرافت به خرج می داد. می گفت: وقتی به مکه رفتم، روز [جمعه بیست و پنجم شهریور ۱۳۶۲، مطابق با] هشتم ذی الحجه، دیدم همه دارند کفن می پوشند و محرم می شوند تا به دیدار خدای کعبه بروند.

قبل از عملیات، در تابستان امسال ما از کل کادرهای لشکر، فقط می توانستیم دو نفر را برای اعزام به سفر حج تمتع انتخاب کنیم. یکی از عزیزانی را که انتخاب کردیم، شهید بزرگوار، حاج عباس ورامینی بود. خاطرم هست موقعی که به او گفتم قرار است به حج بروی، اصلا حرف مرا باور نمی کرد. وقتی به حج رفت و از آنجا برگشت، روحیاتش به کلی دگرگون شده بود. البته از قبل هم روحیات ایشان متفاوت از سایر عزیزان بود؛ منتها بر اثر این

■ حج امسال، حاج عباس را یک انسان الهی کرده بود. از ابتدا الهی بود، ولی حج او را به مراتب پاکیزه تر و زیباتر از پیش کرد. طوری که بعد از حج، کاملاً برای شهادت آمادگی داشت. از مکه که برگشت، در دنیای دیگری سیر می کرد. توی جمع ما نبود، توی حال خودش هم نبود.

■ به قدری در قیاس مناسک حج با آداب جهاد، از تشبیهات زیبا استفاده می کرد که همه شنوندگان صحبت هایش، متحیر می ماندند که او چه می گوید! همه جا می گفتند حاج عباس خیلی عجیب شده است.



... حج امسال، حاج عباس را یک انسان الهی کرده بود. از ابتدا الهی بود، ولی حج او را به مراتب پاکیزه تر و زیباتر از پیش کرد. طوری که بعد از حج، کاملاً برای شهادت آمادگی داشت. از مکه که برگشت، در دنیای دیگری سیر می کرد. توی جمع ما نبود، توی حال خودش هم نبود. هر لحظه که مجالی پیدا می کرد، به گوشه ای می رفت و با خدا مناجات می کرد. در نماز شب های خودش، عجیب با خدا راز و نیاز می کرد. در آن خلوت شب و تنهایی، اگر بدانید چه جور در درگاه خدا گریه میکرد و اشک می ریخت.

در هیاهوی سکوت، جواد کلاته عربی، سوره مهر، ص ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۶۱

این صحنه ها را تشبیه می کرد به صحنه های حرکت ستون عزیزان بسیجی و سرباز در شب عملیات. او می گفت: «با دیدن صحنه احرام پوشیدن زوار، بلافاصله به یاد فتح مبین و الی بیت المقدس افتادم که چطور در شب حمله، این بسیجیان و سربازان، کفن می پوشند و آماده جهاد می شوند ... به قدری در قیاس مناسک حج با آداب جهاد، از تشبیهات زیبا استفاده می کرد که همه شنوندگان صحبت هایش، متحیر می ماندند که او چه می گوید! همه جا می گفتند حاج عباس خیلی عجیب شده است.





از یادداشت های سفر حج
شهید سید مرتضی آوینی

گمنامان زمین و نامداران آسمان

سرزمین وحی میهمان بسیار دارد، اما شما محبوب ترین میهمانان خداوند هستید، چرا که پیش از این مناسک، طریق ابراهیم را در حیات نورانی خویش پیموده اید و در مسلخ عشق قربانی هم داده اید.

ابراهیم را به پیروی از احیاگر حج ابراهیمی، حضرت روح الله، در حج معنوی حیاتتان پیموده اید و در مسلخ عشق قربانی هم تقدیم کرده اید. سرزمین وحی میهمان بسیار دارد، اما شما محبوب ترین میهمانان خداوند هستید، چرا که پیش از این مناسک، طریق ابراهیم را در حیات نورانی خویش پیموده اید و در مسلخ عشق قربانی هم داده اید. حال که دست بلند دعای شما تا آسمان می رسد، ایران اسلامی، این امّ القرای معنوی جهان و رهبر جانبازان را از یاد مبرید.

سفر به سرزمین نور، شهید سید مرتضی آوینی،
نشر واه، ص ۲۸ و ۲۹

گیرند. جانبازان، این سوختگان طریق عشق و جانبازی، به مراد و مرشد خویش، که علم دار عشق عباس بن علی است، الحاق خواهند یافت و شما نیز همراه با جانبازان، این سوختگان طریق عشق و جانبازی، به قافله کربلا الحاق خواهید یافت. خوشا به حالتان، که گمنامان زمین و نامداران آسمانید، و بهشت اعلی علین ارزانی تان باد که گمنامان زمین و نامداران آخرتید. ای پروانه شمع وجود جانباز! ای مهربان ترین! اگر جانبازان صابرانند، صبر خود در مکتب شما معنا گرفته است. سرزمین وحی میهمان بسیار دارد، اما شما میان محبوب ترین میهمانان خدا و حبیب خدا هستید، چرا که پیش از این مناسک، طریق

تر از این مجاهدان راه خدا برای شنیدن این راز نمی یابی. بگو مدینه، بگو، نور در عالم، هر چه هست از سوختگان است که برون می تابد، و دل تا در راه عشق نسوزد کجا نور یابد، که نور در این عالم هر چه هست از سوختگان است. شمع می سوزد و نور می بخشد و پروانه که نور را باز می شناسد، بی پروا دل به سوختن می سپارد و جان بر سر این معرفت می نهد. و از همین است که او را «پروا، نه» خوانده اند، چرا که او را از سوختن پروایی نیست. ای پروانه شمع وجود جانباز! جانبازان صابرانند، اما صبر هم خود در مکتب شما صابری آموخته است و اجر این صبر آن روز خواهید یافت که حجاب ها بر دریده شوند و سرائر آشکاری

نشانه های غربت و مظلومیت اسلام حقیقی را با خود حمل کنند. مدینه! با آنان راز بگو. با آنان از رازهایی که در سینه داری بازگو؛ آنچه را که با هیچ کس دیگر نگفته ای. بگو مدینه! آنان پاسخ این دو پرسش خویش را از تو می خواهند و جز تو کیست که بتواند به آنان جواب گوید؟ مدینه! بگو آن گاه که مولایمان مهدی به زیارت قبور بقیع می آید، در رازگویی های غریبانه خویش چه می گوید؟ آیا تاب می آوری که این پرسش دیگر را نیز از تو باز پرسم؟ تاب می آوری؟ بگو مدینه! بگو مدفن زهرای مطهر، پاره تن رسول الله کجاست. بگو مدینه! تو از این راز با خبری و هیچ کسی را شایسته

مدینه! سخن کوتاه کنم: اکنون بعد از قرن ها، تو زائرانی یافته ای که از ایران می آیند؛ از امّ القرای دیگری که چهارده قرن بعد از رحلت رسول خدا، از مأذنه بلند آن، فریاد اسلام در جهان طنین می اندازد و در میان این زائران کسانی هستند که پیامبر خدا، محبوب تو، آنان را بیش از همه دوست می دارد. مدینه! آنان را از صندلی های چرخ دارشان بشناس، از دست ها و پا های مصنوعی شان. مدینه! یقین کن که بر پشت این کره ارض، هیچ کس از آنان و اولیایشان در نزد خدا و پیامبر خدا محبوب تر نیست. ببین! به چشم دل ببین که ملائک چگونه بال هایشان را فرش قدم هایشان کرده اند. آنان مجاهدان راه خدا هستند و شهادتی که زنده مانده اند تا



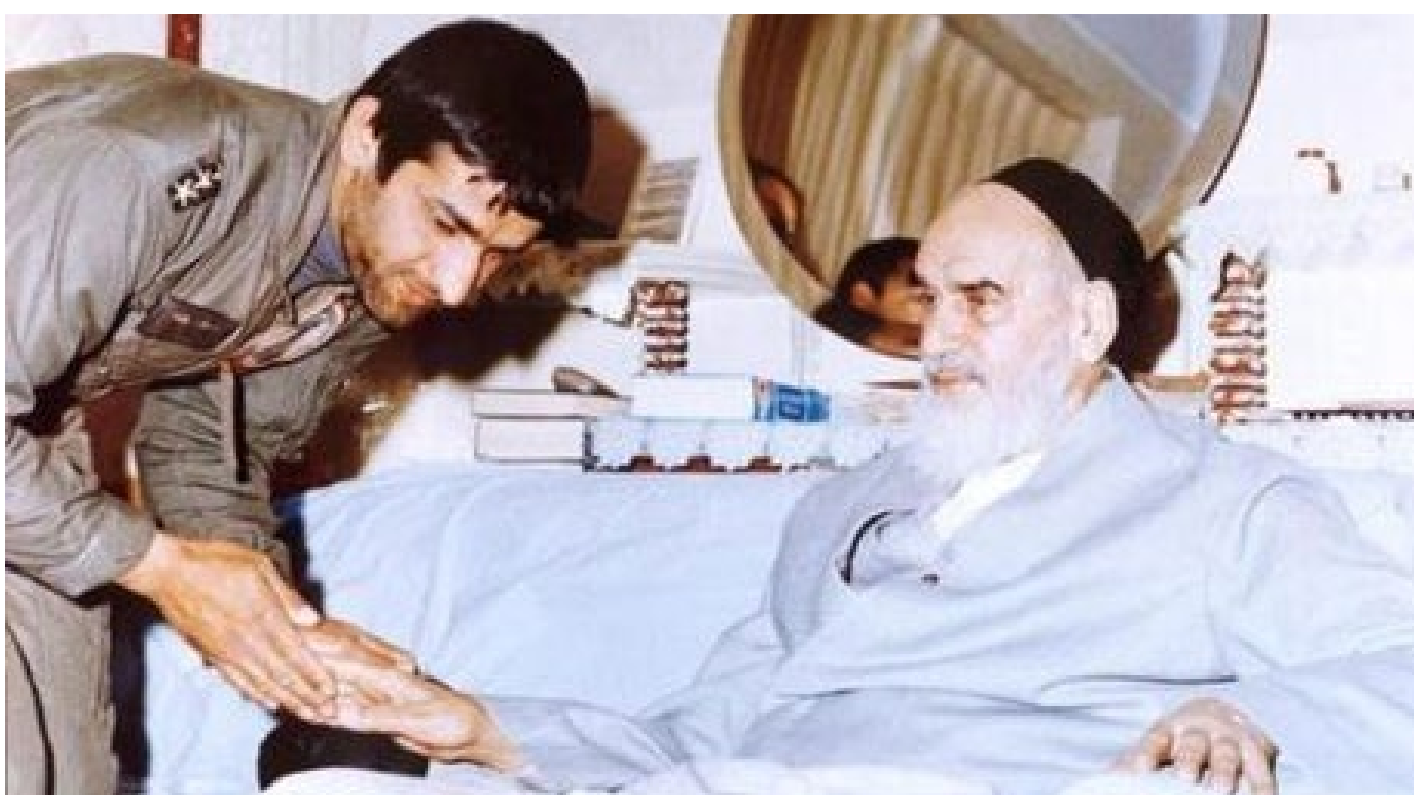
شهید عید قربان

شهادت سرلشکر شهید، عباس بابایی، در عید قربان سالی که به دلیل مأموریت نتوانست در مراسم حج شرکت کند

شهید سرلشکر خلیان عباس بابایی، معاون عملیاتی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در حالی در عید قربان سال ۱۳۶۶ به درجه والای شهادت نائل شد که قرار بود به همراه همسرشان در حج همان سال شرکت کنند اما به دلیل مأموریتی مهم از آن سفر بازماند. متن پیش رو روایت همسر ایشان است درباره روزهای قبل سفر حج:

آن روزها من به کلاس های آمادگی برای حج می رفتم. عباس جزوه هایم را نگاه می کرد و با من آن ها را می خواند. حتی معاینات پزشکی را هم آمد و انجام داد. ساکش را هم بسته بود. همه چیز توی ساکش آماده بود. یکی دو روز قبل از حرکت بود که فهمیدم نمی آید. به آقای اردستانی گفت: «مصطفی! من همسرم را اول به خدا، بعد به تو می سپارم!» گفتم: «مگر تو نمی آیی؟» گفت: «فکر نکنم بتوانم بیایم.» دلم خالی شد. گفتم: «عباس جدأ نمی آیی؟» نگفت که نمی آید. گفت: «کار من معلوم نیست. یکبارہ دیدید قبل از اینکه لباس احرام بپوشید و بروید عرفات، رسیدم آن جا. معلوم نیست!» چیزهایی هم خواست. وقتی کعبه را دیدم دعا کنم که جنگ تمام شود، برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم دعا کنم، برای طول عمر امام دعا کنم. سفارش کرد که برای خرید و این ها خودم را اذیت نکنم. فقط یک چیز برای دلخوش شدن بچه ها بیاورم. سفارش کرد سوار هواپیما که می شوم آیت الکرسی بخوانم ...

بابایی به روایت همسر شهید، علی مرج، انتشارات روایت فتح، ص ۴۹



غوغای غبار | از یادداشت های سفر حج گل علی بابایی؛ پژوهشگر و مستندنگار دفاع مقدس

کتاب «غوغای غبار»، یادداشت های سفر حج «گل علی بابایی» پژوهشگر و مستندنگار دفاع مقدس است. او در این کتاب از جبهه های دفاع مقدس پلی به حج زده است؛ چرا که در سفرش در نقاط مختلف قربانی با سال های دفاع مقدس پیدا می کند و در اصل خود سفر هم عنایتی از همان سال ها بوده است. این سفر که برای نویسنده تداعی کننده روزهای جبهه است از مرداد ۸۷ در تهران شروع می شود و تا آذر ماه همان سال در مکه ادامه پیدا می کند. متن پیش رو برش هایی کوتاه از این یادداشت هاست.

■ وقتی که می خواستم برای سفر حج وصیت نامه بنویسم، پاک درماندم که چه بایدم نوشت. همان موقع در خاطرم تداعی شد سیمای آفتابی فرمانده خاکی پوش گردان کمیل لشکر ۲۷ شهید مرتضی خانجانی. او که پس از نوشتن وصیت نامه ای تکان دهنده، در وقت اضافی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، گل پیروزی اش را به طاق دوازه شهادت کوبید.

■ عبور از آخرین گیت بازرسی برای من به منزله گذشتن از نقطه رهایی بود. همانجا یاد عملیات فکه افتادم و سیمای نورانی تمثیل مجسم عرفان، دانشجوی شهید عمران پُستی (معروف به عبدالله) معاون گروهان یکم از گردان جعفر طیار در نبرد والفجر مقدماتی در ذهنم زنده شد. عبدالله سرانجام در عملیات خیبر با مسئولیت فرماندهی گردان حبیب بن مظاهر لشکر ۲۷ به شهادت رسید و تا امروز مفقود الجسد است.

■ گشت و گذار در جای جای مدینه و حومه آن یادآور حوادث تلخ و شیرین حاکمیت اسلام بر این سرزمین است؛ مخصوصاً جاهایی مثل تنگه احد و آن واقعه ناگوار شکست سپاهیان اسلام. در احد ناخودآگاه ذهنم رفت به زمستان ۱۳۶۱ و آخرین مکالمه بی سیم چی گردان کمیل با همت: ... حاجی، سلام ما را به امام برسان و به او بگو تا آخرین نفس ایستاده ایم ...

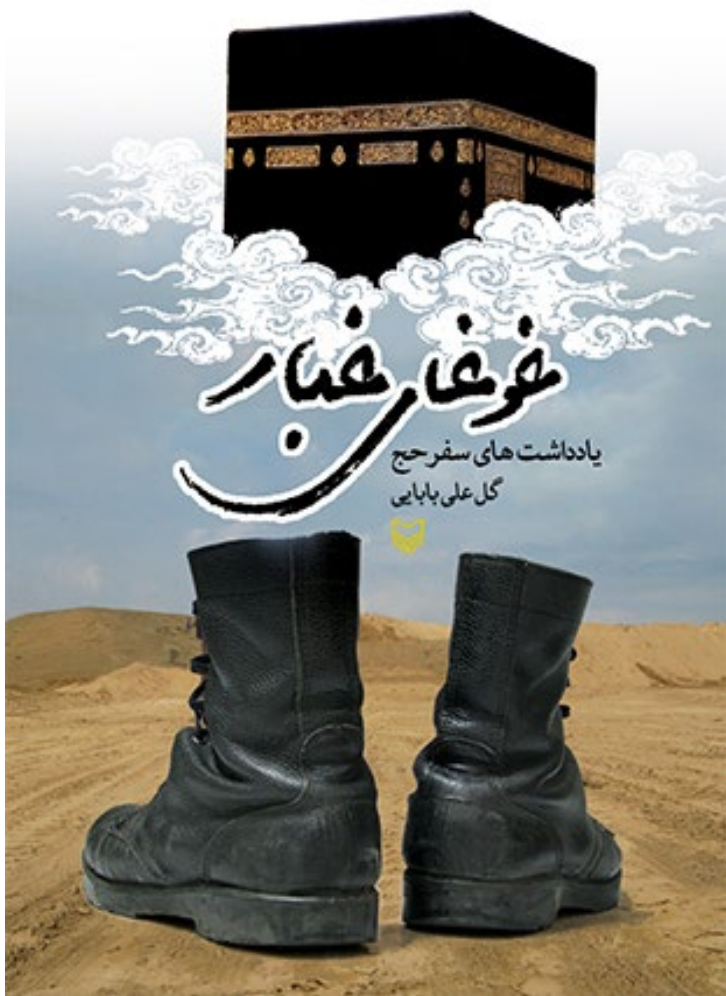
■ هرگاه در احد قدمی برمی داشتیم، سیمای مردانه شیران سپاه خمینی در نظرم تداعی می شد: خصوصاً شهید ابراهیم علی معصومی، فرمانده دریادل گردان کمیل لشکر ۲۷، که در مرحله سوم نبرد والفجر ۴، برای حفظ تنگه مشرف به قله قفل شده ۱۹۰۴ تا آخرین نفس جنگید و از همانجا به آسمان شهادت عروج کرد.

■ محله نخاوله یا همان حسینیة شیعیان مدینه، انگار که همان اردوگاه کارون خودمان در ۷۵ کیلومتری جاده حاشیه ای اهواز به خرمشهر بود که قبل از والفجر ۸ و کربلای ۵ در آنجا با شهدا مانوس بودیم.

■ در بین کمیل خوانان حسینیة محل استقرار بعثه در مدینه، احساس کردم حمید فلاح پور هم دارد از زبان امام علی علیه السلام با خدا درد و دل می کند. با همان چهره آفتابی اش که قبل از عملیات خیبر در قاب دوربین قراضه عکاسی ام ثبت شد.

■ گویی دور کعبه، همان خط مقدم جبهه است و من مجذوب آن مکان و یاد شهدایی که پاک مستم می کنند. یاد فرهاد نصیری، با همان لبخند آخرینش رو به دوربین حاج اصغر آبخضر، در آخرین دم حیات دنیوی اش بر شانه شرقی جاده اهواز-خرمشهر و یاد شهیدانی دیگر ...

■ به یاد شهیدان، مثل رگبار متبرک بارش سرآغاز فصل بهار، بر کویر ذهنم باریدن گرفتند. یاد مسعود تقی زاده با همان قهقهه مستانه اش پشت کالیبر دوشکا. یاد ...



■ در شبه جزیره عربستان و در جای جای مکه و مدینه، هرجایی که قدم می گذاشتم، سیمای نورانی شهیدان مثل توالی مکرر آذرخش در دل شبی ظلمانی به سینه سیاه آسمان ذهنم خطوط می کرد. در این میان آنکه بیشتر از همه با دلم بازی می کرد و همه جا همراهم بود، شهید محمود پیربدایی بود، او که در بهار ۱۳۶۵ در شبه جزیره فاو به آسمان پرکشید و قلب مرا هم با خود برد.

چشم نوشت

حضور جانبازان پرافتخار دفاع مقدس در سرزمین وحی به روایت تصاویر

نشریه ضیافت خلیل

سال دوم، شماره چهارم، مهر ۱۴۰۰ ه.ش، صفر ۱۴۴۳ ه.ق
حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، معاونت فرهنگی، مدیریت
برنامه و محصولات فرهنگی
نشانی: تهران، خیابان آزادی، خیابان رودکی شمالی، سازمان حج و زیارت،
طبقه اول، اتاق ۲۳۹
تلفن: ۶۴۵۱۲۱۵۲، نمابر: ۶۴۵۱۲۱۵۱
تارنما: mb.hajj.ir



[عکس از کمال الدین شاهرخ]



[عکس از کمال الدین شاهرخ]



Hajj.ir



Hajj.ir



[عکس از کمال الدین شاهرخ]



[عکس از کمال الدین شاهرخ]



Hajj.ir



Hajj.ir



Hajj.ir



Hajj.ir